

تاریخ



حاج قاسم نظیفی در جبهه ها



حاج قاسم نظیفی در دوران نوجوانی



حاج قاسم نظیفی در دوران جوانی

اجتماعی دیگری هم داشت. ایشان در زمان جنگ تحمیلی مدتی عضو هیأت مدیره تعاونی ناشران و کتابفروشان در بحث توزیع کاغذ بودند. طبق گفته همکارانشان، (چون خودشان هیچ وقت مطرح نکرد و من از همکارانشان شنیدم) که ایشان نسبت به توزیع عادلانه کاغذ در زمان جنگ به شدت حساس بود و سعی می کرد کاغذ دولتی را در همان مسیر چاپ کتاب مصرف کند.

رعایت انصاف در کار

یک روز چاپخانه داری به من گفت آقای حاج قاسم نظیفی تعداد زیادی کاغذ داشت که اینها مدت زمانی طولانی در چاپخانه مانده بودند. ما به ایشان پیشنهاد دادیم اینها را بفروش و بعداً جایگزینشان کن. ایشان گفت: «نه! من این کاغذ دولتی را گرفتم که فقط با آن کتاب چاپ کنم.» در نهایت هم با آن کاغذها کتاب چاپ کرد و به بازار عرضه کرد. از خصوصیات بارز ایشان انصاف در کار بود. اعتقاد داشت که در بحث کتاب حتماً باید قیمت گذاری عادلانه باشد، چون وقتی کتابی گران باشد مصرف کننده رغبتی به تهیه آن ندارد. در بحث قیمت گذاری با تخفیف زیاد مخالف بود و می گفت تخفیف زیادی که بعضی از همکاران می دهند گول زدن مردم است. باید با مردم صادقانه برخورد کنیم. چرا که قیمت را بالا قرار می دادند و سپس با تخفیف زیاد به دنبال اجحاف در حق مردم بودند.

درخواست از خدا برای فعالیت در حوزه نشر

نکنه دیگری که خود ایشان به من می گفتند این بود که گفتند وقتی وارد این کار شدم از خدا خواستم خدایا کمک کن با کتابی که چاپ می کنم ذهن کسی را منحرف نکنم. آقای حاج قاسم نظیفی می گفت اگر ذهن یک نفر منحرف بشود، برگرداندنش به مسیر اصلی کار بسیار دشوار و سختی است. چرا که در حدیثی است که می گوید «إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ» اگر یک دانشمند فاسد شود، دنیایی فاسد می شود. نگفت یک شهر یا یک نقطه یا یک منطقه یا یک نفر. گفت دنیا فاسد می شود.

علت بازداشت توسط ساواک

حاج قاسم نظیفی یکی دو مورد بازداشت داشت که یک بار در سال ۱۳۵۱ به خاطر چاپ رساله امام (ره) بود. یک مورد هم که خودشان می گفت به خاطر جناب آقای عزت مطهری (عزت شاهی) بود که رژیم پیکروی بود. ایشان را به زندان بردند و جای آقای عزت شاهی را از او می خواستند.

آقای حاج قاسم نظیفی می گفت ما روی رساله امام (ره)، اسم مرحوم حاج سید احمد خوانساری را می زدیم و به ظاهر به عنوان رساله ایشان می فروختیم. یا کتابها را به صورت جلد سفید چاپ می کردند. می گفتند کتابی چاپ آن ممنوع بود و اسم آن در خاطر من نیست، برای اینکه ساواک متوجه نشود این کتاب چیست، آن را به صورت ورق ورق چاپ کردیم. معمولاً کتاب را به صورت فرمی چاپ می کنند. برای اینکه کسی متوجه نشود این کتاب چیست، یک صفحه را این چاپخانه چاپ کرد، یک صفحه را چاپخانه دیگر. دو صفحه را اینجا و دو صفحه را آنجا چاپ کردند. این کتاب را چاپخانه های مختلف چاپ کردند، چون می خواستند محتوای کتاب لو نرود. هر کسی که این صفحه ها را چاپ می کرد نمی دانست این کتاب و محتوایش چیست. فقط داشت یک صفحه کتاب را چاپ می کرد و نمی دانست در نهایت این می خواهد چه بشود. آقای حاج قاسم نظیفی این صفحه ها را جمع آوری کردند و با همکاری مرحوم حاج حسن آقای تهرانی به صورت کتاب درآوردند و توزیع کردند.

برپایی نمایشگاه کتاب در مناطق جنگی

کارهای مبارزاتی آقای حاج قاسم نظیفی تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. ایشان بعد از انقلاب در تأسیس انجمن اسلامی ناشران و کتابفروشان تهران نقش بسزایی داشتند و عضو مؤثر آن بودند. این انجمن در مناطق جنگی نمایشگاه کتاب برپا می کرد و برای کمک به جبهه ها کمک های مردمی را جمع آوری می کرد و فعالیت های

به بهانه درگذشت حاج قاسم نظیفی
مؤسس انتشارات اسلامی

ناشر انقلابی

محمد حسین نظیفی
فرزند مرحوم

آقای حاج قاسم نظیفی متولد سال ۱۳۲۰ بود. از سنین دوازده-سیزده سالگی کار را در بازار شروع کرد. در سال ۱۳۴۱ که ۲۱ ساله بود کتابفروشی اسلامی را در بازار افتتاح کرد و با توجه به اهمیت مضاعف کتاب در آن مقطع زمانی که گروه های مختلف سعی به جذب داشتند، در آنجا مشغول به فعالیت در کار فروش کتاب شد. بعدها هم به کار نشر روی آورد.

چاپ کتاب های ممنوعه

در این راستا ایشان با بزرگانی همچون مرحوم شهید مطهری، مرحوم علامه محمد تقی جعفری، مرحوم مهدی الهی قمشه ای، مرحوم آیت الله ابراهیم امینی، شهید دکتر بهشتی و... ارتباط داشتند و نسبت به چاپ کتاب های دینی و بخصوص این بزرگان اهتمام داشتند. خودشان می گفتند عامل ارتباطشان با رهبر انقلاب آقای حاج

حسن نبیری عدل، معروف به حسن تهرانی بود که از مبارزان بنام قبل از انقلاب بود. آقای حاج قاسم نظیفی با ایشان ارتباط کاری و مبارزاتی داشت. ایشان با همکاری آقای حسن نبیری عدل کتاب «اقتصاد ما» شهید آیت الله صدر را ترجمه و چاپ می کردند. همین کار داستان جالبی دارد. مترجم کتاب زندان بود و نسخه اصلی کتاب را در زیر جعبه شیرینی پنهان کرده و به داخل زندان منتقل می کنند و سپس ترجمه را به انحای مختلف از زندان خارج می کنند. «اقتصاد ما» کتابی با مضمون رد اقتصاد کمونیستی بود و در دوران قبل از انقلاب استقبال بالایی از آن می شد. ایشان زحمت چاپ کتاب های غریب زدگی جلال آل احمد و بسیاری از کتاب های ممنوعه آن دوران را می کشیدند که من چندان اطلاعی از آنها ندارم.



حاج قاسم نظیفی می گفت ما روی رساله امام (ره)، اسم مرحوم حاج سید احمد خوانساری را می زدیم و به ظاهر به عنوان رساله ایشان می فروختیم. یا کتابها را به صورت جلد سفید چاپ می کردند